

## علل و پیامدهای قحطی کرمانشاهان در جنگ جهانی اول

فریبرز منصوری؛\* علیرضا علی صوفی؛\*\* نظامعلی دهنوی؛\*\*\*

ثریا شهبازی\*\*\*

### چکیده

قحطی کرمانشاهان در خلال جنگ جهانی اول و در فاصله سال‌های (۱۳۳۸-۱۳۳۶ق / ۱۹۱۷-۱۹۱۹م)، پیامدهای مخرب و زیان‌باری در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی در این دیار بر جای نهاد. این پژوهش بر این فرض استوار است که جنگ جهانی اول در کرمانشاهان و اشغال این منطقه توسط نیروهای تحت کنترل دولت‌های روسیه، عثمانی و انگلیس آثار ویرانگری چون کمبود غله و بروز قحطی در پی داشت. این مهم به‌اتفاق خشک‌سالی، احتکار و رواج بیماری‌های واگیردار جان بسیاری از اهالی کرمانشاهان را ستاند. پژوهش حاضر تلاش دارد با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد منتشرشده آرشویی و منابع کتابخانه‌ای معتبر به این پرسش پاسخ دهد که چه عواملی در بروز قحطی و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی مترتب بر آن در کرمانشاهان مؤثر بوده است؟ دستاورد پژوهش نشان داد که غیر از خشک‌سالی، حضور طولانی‌مدت نیروهای نظامی دولت‌های متحد و متفق در کرمانشاهان و غارت انبارهای غله مردمی و دولتی، چپاول دام‌ها و ویران کردن منازل، احتکار غله توسط عوامل داخلی و خارجی، ضعف ساختاری حکومت مرکزی و ناکارآمدی حکام محلی در مدیریت بحران، نقش بنیادینی در ایجاد قحطی و تداوم آن در این منطقه داشت. **واژگان کلیدی:** کرمانشاهان، قحطی، خشک‌سالی، احتکار، جنگ جهانی اول.

\* نویسنده مسئول: دانشجوی تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
Fmansouri1970@yahoo.com

\*\* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور. تهران، ایران Ar\_soufi@yahoo.com

\*\*\* استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور. تهران، ایران Nezamdehnavi@yahoo.com

\*\*\*\* استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور. تهران، ایران Sry\_shahsavari@yahoo.com

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳ | DOI:10.29252/HSOW.5.2.81

### ۱. مقدمه

ایران در جنگ جهانی اول با وجود اعلام بی‌طرفی، توسط قوای نظامی دولت‌های روسیه، عثمانی و انگلیس اشغال شد و خسارت‌های فراوانی از این رویداد دید. کرمانشاهان در غرب ایران به دلیل قرار داشتن بر مسیر ارتباطی ایران - بین‌النهرین و همسایگی با دولت عثمانی، برای قوای متحد و متفق اهمیت راهبردی داشت. روس‌ها قصد داشتند با تصرف بخش‌هایی از کرمانشاهان، خود را به دروازه‌های بغداد برسانند و به نیروهای محاصره‌شده انگلیس در کوت‌العماره کمک کنند. در مقابل، عثمانی‌ها نیز در پی آن بودند که با تصرف کرمانشاهان، مانع از پیشروی قوای متفقین به سوی مرزهای خویش شوند؛ بنابراین، چنین موقعیت ژئوپلیتیکی، کرمانشاهان را به صحنه درگیری قوای مذکور تبدیل کرد. بدیهی است که این مناقشات جز ویرانی زیرساخت‌ها، قحطی و فلاکت، دستاوردی برای مردم منطقه در پی نداشت. پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که حضور مداوم نظامیان روس، انگلیس و عثمانی در منطقه و احتکار فراوان غله و مواد غذایی موردنیاز مردم توسط آن‌ها، باعث تداوم قحطی و افزایش تلفات انسانی در کرمانشاهان شد. بررسی و شناخت مباحثی چون خشک‌سالی، جنگ جهانی اول و پدیده احتکار در کرمانشاهان در سال‌های (۱۳۳۸-۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۹-۱۹۱۷م) و توصیف و تبیین پیامدهای ناشی از آن‌ها مسئله و دغدغه‌ای است که این اثر در پی پرداختن به آن است. سؤال اساسی این پژوهش آن است که علل و پیامدهای قحطی کرمانشاهان در سال‌های موردپژوهش چه بود؟ روش تحقیق در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و در حوزه مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است. این پژوهش تلاش دارد با تکیه بر اسناد منتشرنشده سازمان اسناد ملی، آرشیو وزارت امور خارجه ایران و نیز منابع معتبر تاریخی به توصیف و تحلیل موضوع بپردازد. فقدان اسناد کافی در باب قحطی در خصوص کلیه مناطق ولایت کرمانشاهان و نیز گستردگی مکانی موضوع باعث شد که این پژوهش تنها به آن بخش از این ولایت که در مسیر اصلی شاهراه ایران - بین‌النهرین، یعنی از کنگاور به قصرشیرین بپردازد. در مسیر و منطقه مورد اشاره، هم نیروهای عثمانی و هم قوای دولت موقت ملی به رهبری نظام‌السلطنه مافی تمرکز داشتند و قوای روس و انگلیس نیز برای سلطه بیشتر، عمده توان خود را در این ولایت بر بخش مذکور نهادند.

## ۲. پیشینه پژوهش

قحطی ایران در بین سال‌های (۱۳۳۸-۱۳۳۶ق / ۱۹۱۹-۱۹۱۷م) چنان گسترده و سهمگین بود که بیشتر منابع تاریخی دوره مذکور به آن اشاره کرده‌اند. بررسی‌ها و شواهد نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی مستقل در باب قحطی کرمانشاهان در دوره مورد اشاره، انجام نشده است. البته تحقیقات متعددی با موضوع قحطی ایران در روزگار جنگ جهانی اول صورت گرفته که یکی از آنان کتاب «قحطی بزرگ» اثر محمد قلی مجد است. این اثر، با تکیه بر اسناد رسمی وزارت امور خارجه آمریکا، گزارش افسران انگلیسی و اخبار و گزارش‌های موجود در روزنامه‌های آن دوره، توانسته بخشی از زوایای پنهان و جنبه‌های ابهام‌آمیز این پدیده را آشکار کند. نویسنده، گزارش‌های قابل توجهی نیز در باب عملکرد اشغالگران در کرمانشاهان بیان می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد در مواردی چون تخمین جمعیت و برآورد میزان تلفات انسانی ناشی از قحطی، مبالغه شده است. همچنین تکیه زیاد بر منابع آرشیوی آمریکا و عدم استفاده از اسناد و مدارک سایر کشورها را می‌توان از کاستی‌های اساسی این پژوهش بشمار آورد. از همین رو در پژوهش حاضر سعی شده است با بهره‌گیری فراوان از اسناد موجود در مراکز آرشیوی ایران و تطبیق آن با اطلاعات موجود در پژوهش مجد، توصیف و تحلیل دقیق‌تری از قحطی در کرمانشاهان ارائه شود.

مسعود کوهستانی‌نژاد در مقاله‌ای با عنوان «سال دم‌پختک»، با تکیه بر گزارش‌ها و اسناد آرشیوی، به علل و پیامدهای قحطی در دوره مذکور در ایران پرداخته است؛ اما اشاره‌ای بسیار مختصر به قحطی کرمانشاه دارد. مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات جنگ جهانی اول بر ساختارهای اجتماعی غرب کشور» توسط شهین رعنائی به رشته تحریر درآمده است که بیشتر به کردستان و مناطق کردنشین آذربایجان غربی پرداخته و در خصوص قحطی در کرمانشاهان به اشاره‌ای مختصر بسنده کرده است.

فاطمه رحمانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه بیرجند با عنوان «پیامدهای اقتصادی و اجتماعی جنگ جهانی اول در کرمانشاه» به صورت مختصر و کلی به قحطی در کرمانشاهان پرداخته و از منابع معتبر و اسناد بهره‌چندانی نبرده است. بررسی‌های فراوان نشان داد که پژوهش‌هایی که در خصوص جنگ جهانی اول و پیامدهای آن در ایران نگاشته شده‌اند و نیز پژوهش‌هایی که در خصوص کرمانشاه به رشته تحریر درآمده، به این مهم نپرداخته‌اند. به هر روی، نوآوری پژوهش حاضر در

این است که برای نخستین بار به‌طور خاص و موردی به مسئله قحطی کرمانشاهان در دوره مذکور با تکیه بر اسناد منتشر نشده سازمان اسناد و کتابخانه ملی و اسناد موجود در آرشیو وزارت امور خارجه و دیگر منابع معتبر می‌پردازد و سعی دارد که توصیف و تحلیلی جامع‌تر از موضوع ارائه دهد.

### ۳. قحطی در کرمانشاهان

قحطی به‌عنوان یکی از نتایج وحشتناک خشک‌سالی، همواره در طول تاریخ، ساکنان فلات ایران را با مصیبت‌های بسیار روبه‌رو کرده است. شگفت‌انگیز نیست که در کتیبه داریوش، خشک‌سالی یکی از سه آفت بزرگ ایران به شمار آمده است. این پادشاه آرزو می‌کند که «این کشور را اهورامزدا از دشمن، خشک‌سالی و دروغ محفوظ دارد» (راشدمحصل، ۱۳۸۰: ۵۲). قحطی بزرگ سال‌های (۱۳۳۸-۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۹-۱۹۱۷م) یکی از هولناک‌ترین رخدادهای تاریخی بود که در سطحی گسترده، سرزمین ایران را با مصیبت و تلفات فراوان انسانی درگیر نمود. البته بررسی‌ها نشان داد که میزان آسیب و تلفات انسانی در تمام مناطق ایران یکسان نبود، بلکه نواحی غرب و شمال غرب بیشتر از دیگر بخش‌ها دچار آسیب شد (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۲-۴۳). قحطی در کرمانشاهان در دوره مذکور، از پیامدهای حضور چند صد هزار نفری نیروهای نظامی دولت‌های روس، انگلیس و عثمانی و خرید و احتکار مواد غذایی از سوی آن‌ها بود (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۲۹۳، برگ ۱۳).

خسارت‌ها و تلفات ناشی از قحطی در کرمانشاهان ناظران و رهگذرانی که از این دیار در خلال دوره مذکور عبور می‌کردند را به‌تازده کرده بود. سرگرد داناو (Donohoe)، خبرنگار مشهور جنگی و افسر اطلاعات مأمور به خدمت در نیروی «دنسترفورس»<sup>۱</sup> انگلیس که در (۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۶/ ۵ آوریل ۱۹۱۸) از مسیر قصرشیرین به تهران گذشته بود، مشاهدات رقت‌انگیز خود را از وضعیت مردم قحطی-زده این مسیر چنین توصیف نمود: «از قصرشیرین که توقف کوتاهی داشتیم از سوی جماعت گرسنه‌ای که طلب غذا می‌کردند، محاصره شدیم. زن فقیری که کودکی را در آغوش داشت، به ما التماس می‌کرد تا فرزندش را نجات دهیم» (مجد، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۳).

<sup>۱</sup> دنسترفورس (Dunsterforce) نام یکی از واحدهای نظامی متفقین در جنگ جهانی اول بود که در دسامبر ۱۹۱۷ تشکیل شد. این اسم برگرفته از نام فرمانده بریتانیایی آن ژنرال دنسترویل است.

داناها در ادامه مسیر به قصبه کردند می‌رسد و ساکنان آن دیار را به بچه‌گول‌هایی تشبیه می‌کند که ماه‌ها قحطی، آن‌ها را به مشتهی گرگ زشت، عبوس و گرسنه تبدیل کرده بود که با دیدن کاروان نظامی می‌گریختند (مجد، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۱).

وخامت اوضاع در کردن به حدی بوده است که روزی یکی دو نفر به واسطه نزع بر سر خون گاو و گوسفند مجروح می‌شدند. امین مالیه کردند گزارش می‌دهد که «دیگر ابدأ یک من جو و ذرت و گندم یافت نمی‌شود» و فقط عده‌ای از مردم که توانایی دارند به کوه‌ها پناه برده، روزگار را با بلوط می‌گذرانند که با شروع فصل سرما تهیه بلوط نیز بسیار دشوار بود (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۴۸۵۱، برگ ۷). کمبود شدید مواد غذایی در این دیار باعث شد که اهالی کردن به خوردن «علف صحرا» جهت سیر کردن شکم خویش روی آورند (استادوخ، ۱۳۳۵/۸۹/۳۷، برگ ۵۷). احتشام‌الممالک، حاکم کردن، در عریضه‌ای به کارگزاری وزارت امور خارجه، از قتل و غارت و هتک حرمت نوامیس در کردن توسط اردوهای نظامی خبر داد (استادوخ، ۱۳۳۵/۸۹/۳۷، برگ ۵۷). گزارش‌های امین مالیه کردن و احتشام‌الممالک، حاکم این منطقه، به اداره مالیه کرمانشاهان و کارگزاری وزارت خارجه و یادآوری وخامت اوضاع در کردن و اشاره آن‌ها به این‌که «روزی سه چهار نفر از گرسنگی [در این دیار] تلف می‌شوند»، تا حدودی ادعای سرگرد داناها را اثبات می‌کند (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۴۸۵۰، برگ ۶؛ استادوخ، ۱۳۳۵/۸۹/۳۷، برگ ۵۷).

وخامت اوضاع در کردن باعث شد که اهالی این منطقه از دولت بخواهند برای حفظ جان اهل و عیال خود، مقداری غله «به هر اسم و رسم یا به مساعدت یا به قرض یا به رسم اعانه و یا این‌که از بابت خسارت به کردند که از طرف دولتین متخاصمین» (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۴۸۵۱، برگ ۹) وارد شده است، واگذار گردد. آن‌ها تهدید کردند که اگر دولت به آنان مساعدت ننماید، به ناچار و به خاطر «حفظ جان عیال و اطفال خود به یکی از سفرای خارجه پناه» خواهند برد که «شاید آن‌ها به درد دل ما رسیدگی نمایند» (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۴۸۵۱، برگ ۹).

بررسی‌ها نشان داد که اوضاع دیگر مناطق کرمانشاهان بهتر از کردن نبود. داناها که از هارون‌آباد (اسلام‌آباد غرب کنونی)، ماهیدشت و شهر کرمانشاه عبور نمود، در طی مسیر، مردان و زنان ژنده‌پوش و گرسنه‌ای را دیده بود که در کنار جاده افتاده بودند و در حالی که ریشه‌های خشکیده گیاهان را از شدت گرسنگی می‌جویدند، به انتظار مرگ

نشسته بودند. وی وقتی وارد شهر کرمانشاه شد با «اجساد چروکیده مردان و زنان [ی که] در معابر عمومی افتاده» بودند، روبه‌رو گردید. این مأمور می‌نویسد که «در میان انگشتان خشکیده [مردگان] همچنان مثنی علف که از کنار جاده کنده‌اند و یا ریشه-هایی که از مزارع درآورده‌اند، به چشم می‌خورد» (مجد، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۴).

فرانسیس وایت (Francis White)، دبیر هیأت نمایندگی آمریکا نیز که در (جمادی-الثانی ۱۳۳۶ / آوریل ۱۹۱۸) از بغداد به تهران سفر کرده است؛ مشاهدات خود را از پیامدهای قحطی در نواحی غربی ایران و به‌خصوص از قصرشیرین تا همدان به تصویر کشیده است. وی بیان نمود که «در تمام طول مسیر، کودکان برهنه را که جز پوست و استخوان نیستند، می‌توان دید. اندازه دور پای آن‌ها بیش از سه اینچ نیست. صورت-هایشان رنگ‌پریده، پای چشمانشان گود افتاده و پوستشان چون سالخوردگان هشتادساله چروکیده، فقر همه‌جا را فرا گرفته و مردم از ناچاری علف و یونجه می-خورند و یا دانه‌های گندم را از میان پشکل حیوانات بارکش در جاده‌ها بیرون آورده و از آن نان درست می‌کنند» (همان‌جا).

در شرایطی که مردم کرمانشاهان با قحطی و گرسنگی شدید دست به گریبان بودند، دولت مرکزی نه تنها اقدامی برای مقابله با این بحران عظیم انجام نداد، بلکه وزارت مالیه به اداره مالیه کرمانشاهان دستور داد تا «جنس موجودی انبار غله مالیاتی قصر-شیرین را به نرخ روز به اداره مباشرت آذوقه قشون روس» تحویل دهند (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۲۹۳، برگ ۱۳؛ استادوخ، ۱۳۳۵/۷۶/۳۷، برگ ۲۵). پس بی‌کفایتی مدیران و کارگزاران دولتی و ناتوانی آن‌ها در مدیریت بحران موجود، نقش عوامل اثرگذار را در قحطی فزون‌تر می‌نمود.

#### ۴. علل قحطی در کرمانشاهان

ریشه‌های علل قحطی در کرمانشاهان در فاصله سال‌های (۱۳۳۸-۱۳۳۶ق / ۱۹۱۹-۱۹۱۷م) به عواملی چند بستگی داشت که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

##### ۴-۱. خشک‌سالی

علت اصلی و طبیعی قحطی در ایران، کاهش نزولات جوی در اوایل سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۷م بود که منجر به خشک‌سالی گسترده در بخش‌های زیادی از ایران شد. عبدالله مستوفی در خاطرات خود درباره خشک‌سالی ایران می‌نویسد: «در شش ماه آخر

و فصول بارانی سال ۱۲۹۵ش / [۱۹۱۶م] به همه جهت ده دوازده ساعت بیشتر باران نیامده بود. در تمام مدت فصل بهار هم تا بیست و هشتم ماه دوم بهار نم از آسمان پایین نیامده بود. در این وقت، شش هفت ساعت باران پریشان قطره درشتی آمد؛ ولی برای بلوکات گرمسیر تهران نوشداروی بعد از مرگ سهراب بود. وی در ادامه اشاره می‌کند که «حال تمام ایران به همین منوال بود. رودخانه‌ها خشک و قنات‌ها نیز کم آب شده است. بهای گندم از خرواری بیست هزار تومان در بهار ۱۲۹۵ش / [۱۹۱۶]، به خرواری سی هزار تومان در بهار ۱۲۹۶ش / [۱۹۱۷م] افزایش یافت» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۹۳/۲-۴۹۵). به هر روی، ایران به‌عنوان کشوری بزرگ و با جغرافیایی متنوع و آب و هوایی گوناگون، به‌طور یکنواخت از خشک‌سالی رنج نبرد. شواهد و مدارک گویای آن است که در این ایام، خشک‌سالی در کرمانشاهان و به‌ویژه در نواحی گرمسیری آن چشمگیر بوده است. در گزارش حاکم کرمانشاهان به وزارت مالیه در ابتدای سال ۱۳۳۶ق / ۱۹۱۷م «در باب [وضعیت] غله و ارزاق عمومی و کیفیت زراعت‌کاری دهات و املاک آن ولایت»، وضعیت آذوقه و معیشت اهالی کرمانشاهان بسیار اسفبار توصیف گردید. وی به کارگزاران حکومت در تهران به تأکید توصیه نمود که اگر اقداماتی به موقع و عاجل صورت ندهند «در آتیه اسباب عسرت فوق‌العاده برای اهالی» ایجاد خواهد شد (ساکما، ش بازایی: ۲۴۰/۳۹۹، برگ ۵۸). بررسی شواهد و مدارک نشان داد که دولت مرکزی توجهی به گزارش‌های به‌موقع حکام محلی نشان نداد و در باب مدیریت بحران ناشی از خشک‌سالی، فاقد هرگونه طرح و برنامه‌ای بود.

#### ۴-۲. جنگ جهانی اول و اشغال کرمانشاهان

در بحبوحه جنگ جهانی اول، بسیاری از مناطق ایران عرصه تاخت‌وتاز نیروهای نظامی دولت‌های روسیه، انگلیس و عثمانی گردید، اما آثار زیانبار آن در نواحی غرب و شمال غرب ایران بیشتر بود (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۴). به دنبال تشکیل حکومت موقت ملی در کرمانشاه به ریاست نظام‌السلطنه مافی، قوای روس، کرمانشاه را تصرف کردند. با تسلط روس‌ها بر این شهر، دولت موقت ملی از هم پاشید و اعضای آن به همراه نیروهای ژاندارم و عساکر عثمانی و صاحب‌منصبان نظامی آلمانی به سمت قصرشیرین عقب‌نشینی کردند (احرار، ۱۳۵۲: ۲ / ۶۸۸-۶۸۹). روس‌ها که در تعقیب نیروهای دولت ملی ایران و در زدوخورد با عثمانی‌ها در گردنه بیدسرخ، در نزدیکی کنگاور، در برابر استحکامات گردنه مذکور و مقاومت نیروهای ژاندارم و عساکر عثمانی زمین‌گیر شده

بودند؛ سرانجام با شکستن مقاومت نیروهای مذکور و تصرف کنگاور، به سمت کرمانشاه حرکت کردند (شیبانی، ۱۳۹۶: ۴۳-۴۴). نیروهای روسیه پیش از ورود به کرمانشاه، صحنه و بیستون را غارت کردند و تعدادی از روستاهای منطقه را به آتش کشیدند (استادوخ، ۱۳۳۴/۱۱/۳۷، برگ ۳۲). آن‌ها در روستاهای دینور با غارت انبارهای غله و احشام مردم و ایجاد رعب و وحشت، بسیاری را بی‌خانمان کردند. مردم از ترس تعرض روس‌ها، زنان و دختران خویش را در زاغه‌ها و طویله‌ها پنهان کردند و روی و چهره آنان را با ذغال سیاه نمودند. عملکرد روس‌ها در دینور چنان هولناک بود که برخی از خوانین آن منطقه پس از پایان جنگ جهانی اول از عهده اجاره بسیاری از املاک خود برنیامدند و ورشکست شدند (دینوری، مصاحبه، مرداد ۱۴۰۰).

روس‌ها با ورود به کرمانشاه، به مسئولان و اعیان شهر دستور دادند تا برای عرض تبریک و ادای احترام، به خدمت کنسول روسیه بروند و نیز برای جلوگیری از حمله ایلات و طوایف کرمانشاه، از هر طایفه یک نفر را گروگان خواستند (سعیدی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۹). توقف مهاجرین در کرمانشاه موجب بدگمانی کارگزاران کنسولگری روسیه به آن‌ها شد و با بهانه‌های مختلف، اشخاص سرشناس را مورد استنطاق و آزار قرار دادند (استادوخ، ۱۳۳۵/۳۵/۶۶، برگ ۹۱). سرانجام معاضدالملک، کفیل حکومت کرمانشاهان با موافقت فرمانده کل قشون روس در کرمانشاه، امان‌نامه‌ای به مهاجرین داد که بر اساس آن و به شرط تعهد مبنی بر عدم هیچ‌گونه اقدامی علیه سیاست و قوای نظامی دولت روسیه، به محل زندگی خود بازگردند. به این روی، عده‌ای از مهاجرین با اخذ تعهد و دریافت امان‌نامه به موطن خویش بازگشتند و تعدادی نیز به همراه نظام-السلطنه مافی به خاک عثمانی پناهنده شدند (ایران، شماره ۶۶، سال اول، رجب ۱۳۳۵، ص ۱ و ۲).

برنامه دولت مرکزی ایران برای کاهش تلفات جانی ناشی از هجوم روس‌ها به خانه‌های مردم در کرمانشاهان تنها آن بود که به حکام محلی فرمان داد تا نیازهای قشون روس را برآورده نمایند. به دستور وزارت مالیه، با هدف رفاه نظامیان روسیه و تأمین آذوقه موردنیاز آن‌ها، تمام اجناس دولتی در کرمانشاهان و کردستان به نماینده قشون روس تحویل داده شد (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۲۹۳، برگ ۷۳؛ استادوخ، ۱۳۳۵/۷۶/۳۷، برگ ۲۵). با وجود همکاری دولت مرکزی و حکام محلی کرمانشاهان با صاحب‌منصبان نظامی روسی در تأمین غله و آذوقه مورد نیاز آن‌ها، شهرها و

روستاهایی که در مسیر تهاجم روس‌ها قرار داشتند، توسط این نیروها غارت شدند (استادوخ، ۱۳۳۵/۸۵/۳۷ق، برگ ۷۶).

اسناد و گزارش‌ها نشان می‌دهد که قشون روس هنگام عبور از قصرشیرین به سوی مرز عثمانی، عمارت گمرک این شهر و منازل مردم را غارت کردند. در نتیجه مردم شهر را ترک کرده، به کوه‌های اطراف پناه بردند تا «روس‌ها موقع عقب‌نشینی متعرض عیال و فرزندان آن‌ها نشوند» (ساکما، ش بازیابی: ۴۳۸۱ - ۲۴۰).

در بحران عظیم ناشی از خشک‌سالی و تهاجم قوای روسی به کرمانشاهان، کارگزاران محلی به‌جای مدیریت بحران و کاهش رنج‌ها و مصیبت‌های مردم، خود نیز به بخشی از دغدغه و مسئله آنان تبدیل شدند. در این شرایط ناگوار و در بحبوحه تعدی نیروهای روسیه به اموال و ارزاق مردم، سوءاستفاده‌ها و زیاده‌خواهی‌های مؤدیان مالیاتی و مأموران اداره مالیه، پیامدهای قحطی و گرسنگی در این منطقه را بسیار فزون‌تر و زیانبارتر نمودند (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۴۴۳۹۵، برگ ۲۳؛ بیستون، شماره ۶۱، ۱۳ شعبان سال ۱۳۳۸ق، ص ۲).

با وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و خروج نیروهای نظامی این کشور از ایران، عثمانی‌ها نیز خاک ایران را ترک کردند و از آن پس تنها انگلیسی‌ها در ایران باقی ماندند. انگلیسی‌ها در ایران به‌طور عام و در کرمانشاهان به‌صورت خاص، خسارت‌های مالی و تلفات جانی فراوانی وارد کردند. در اثر بمباران هوایی و توپخانه‌ای نیروهای انگلیسی، مناطقی که در مسیر قصرشیرین به کرمانشاه قرار داشتند، به‌ویژه مراکز ایل سنجابی، زیان‌های فراوانی دیدند (سایکس، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۸۸). علی‌اکبر خان سنجابی ملقب به سردار مقتدر که در نبرد با انگلیسی‌ها فرمانده ایل سنجابی و شاهد ماجرا بوده است؛ هجوم انگلیسی‌ها به عشایر در حال کوچ سنجابی را رقت‌انگیز توصیف کرده و بیان می‌کند که مردم بی‌پناه سنجابی برای حفظ جان و ناموس خود، اموال و احشام را برای نظامیان انگلیسی و همدستان داخلی آن‌ها بر جای گذاشتند و خود را به رودخانه خروشان «زمکان»<sup>۱</sup> زدند. در این فرار و اضطراب تعداد زیادی از مردان، زنان و کودکان

---

<sup>۱</sup> رودخانه زمکان در غرب ایران و در شمال غرب استان کرمانشاه با زهکشی یک حوضه مستطیلی شکل به مساحت ۲۳۲۴ کیلومتر مربع از سمت جنوب شرق به سمت شمال غرب جریان دارد. این رودخانه پس از عبور از بخش گهواره از توابع شهرستان دالاهو به سد آزادی می‌ریزد (جباری، ۱۳۹۱: ۹۶).

بی‌دفاع غرق شدند. سردار مقتدر خسارت مالی عشایر سنجابی در این حادثه را بیست میلیون کرور تخمین زده است (سنجابی، ۱۳۹۷: ۴۶۸-۴۷۰).

کرنند یکی از قصبه‌های کوچک کرمانشاهان، طی چند مرحله، توسط قشون روس، انگلیس و عثمانی مورد هجوم و قتل و غارت قرار گرفت. در این حملات، تعدادی کشته شدند و تعداد دیگری نیز که برای حفظ جان خود به کوه‌های اطراف پناه برده بودند، از گرسنگی تلف گردیدند. محمدعلی میهن‌پورسیاح، از نیروهای ژاندارم دولتی که پس از عقب‌نشینی قوای ایرانی و عثمانی در مقابل روس‌ها از کرمانشاه به کرند آمده بود، از رفتار غیرانسانی نیروهای مسلمان عثمانی در برخورد با هم‌کیشان خود در کرند شگفت‌زده گردید (میهن‌پورسیاح، ۱۳۹۵: ۴۰). اسناد و شواهد گویای آن است که عثمانی‌ها علاوه بر غارت کردند، گمرک قصرشیرین را نیز «به کلی منهدم» نمودند و اموال مدیر و کارکنان این اداره را به تاراج بردند (ساکما، ش بازیابی: ۳۰۸۷/ ۲۴۰، برگ ۲۴).

با وجودی که دولت‌های روس و عثمانی نقش اساسی در شکل‌یابی قحطی و رنج ناشی از آن در کرمانشاهان داشته‌اند، اما نباید به نقش انگلیسی‌ها در این اتفاق ناگوار بی‌توجه بود. انگلیسی‌ها سعی داشتند همهٔ مصائب را به قوای روس و عثمانی نسبت دهند و خود را از عواقب آن تبرئه نمایند. در گزارش اسکار هایزر (Oscar Hizer)، کنسول آمریکا در بغداد، تلاش انگلیسی‌ها برای مقصر جلوه دادن دولت‌های روس و عثمانی در رابطه با قحطی در کرمانشاهان نمایان است. وی به نقل از یکی از دوستان خود، شکل‌گیری اوضاع ناگوار و رقت‌انگیز در غرب ایران و کرمانشاهان را معلول اشغال پیاپی این ناحیه توسط قوای روس و عثمانی، احتکار و ذخیرهٔ مواد غذایی مورد نیاز مردم توسط آن‌ها و قتل و غارت ساکنان شهرها و روستاها به دست آن‌ها می‌داند. او با اشاره به اوضاع آشفته منطقه به لحاظ قحطی و مرگ و میر ناشی از آن، ورود انگلیسی‌ها به این منطقه را مایه امیدواری و بهبود اوضاع و التیام‌بخش درد و رنج مردم بیان می‌دارد. (مجد، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۱۰).

#### ۳-۴. احتکار

سودجویی و میل به مال‌اندوزی مالکان و تجار و سوءاستفاده از شرایط بحرانی و قحطی در ایران سابقه دارد. با آشکار شدن نشانه‌های خشک‌سالی و قحطی، مواد غذایی و مایحتاج عمومی مردم توسط محتکران در انبارها جمع می‌شد تا به قیمت گران به

مردم نیازمند فروخته شود. زمان احتکار غله و مواد غذایی در انبارها گاهی آنقدر طولانی می‌شد که اغلب فاسد می‌گردید. در هنگامه جنگ جهانی اول نیز اختیار اوضاع به دست محترکان افتاده بود (علی‌صوفی و غفوری، ۱۳۹۶: ۱۶۵). دولت مرکزی با صدور ابلاغیه‌ای احتکار غله و مواد غذایی را برای «اتباع داخله و خارجه» ممنوع اعلام کرد، اما گزارش مأموران دولتی حاکی از آن است که این مهم چندان مورد اعتنا قرار نگرفت (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۴۷۴۵۰، برگ ۷). اقدام محترکان فرصت طلب به خرید غله و انبار غیراصولی آن، منجر به پوسیدگی و نابودی مقدار قابل توجهی از گندم‌های انباشته شده گردید که این خود از عوامل عمده قحطی و گرانی ارزاق عمومی بود (ملک‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۲۸).

اسناد و مدارک گویای آن است که حضور پررنگ نظامیان روس، عثمانی و انگلیس در کرمانشاهان و اقدام نمایندگان آن‌ها برای خرید غله و مواد غذایی موردنیاز و نیز احتکار بخشی از آن، موجب افزایش قیمت مواد غذایی و ایجاد احتکار گردید (استادوخ، ۱۳۳۶/۱۱/۶۵، برگ ۳۳). رئیس مالیه کرمانشاهان در گزارشی به خزانه‌داری کل در خصوص خریدهای فراوان و غیراصولی اشغالگران بیگانه بیان کرد که «تمام آذوقه یک‌ساله اهالی فلک‌زده این شهر و صفحات [را] می‌خواهند بگیرند و اگر از حالا رفع این محظور نشود قطعاً در این زمستان قحطی و سختی در این شهر خواهد افتاد» (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۰؛ ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۲۹۳، برگ ۶). بررسی اسناد و شواهد نشان داد که حکومت مرکزی نه‌تنها اقدامی در راستای ممانعت از خریدهای فراوان ارزاق عمومی توسط اشغالگران نشان نداد، بلکه به کارگزاران خویش در کرمانشاهان دستور داد که کلیه نیازهای آنان را برآورده نمایند که اجحاف و آسیب کمتری از سوی آنان به مردم وارد شود (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۲۹۳، برگ ۷۳).

کالدول (Caldwell) در گزارشی به تاریخ (اربیع‌الثانی ۱۳۳۶/۱۵ ژانویه ۱۹۱۸) به اقدام غیرقانونی روس‌ها در کرمانشاهان در مصادره «تمام غله و مواد غذایی» در کرمانشاهان و دیگر شهرهایی که آنان حضور داشتند، اشاره کرده است. وی بیان داشت که این اقدام روس‌ها باعث شد که «تولیدکنندگان خرده‌پا، محصول غله آخرین فصل برداشت را انبار کرده و بدین‌سان قیمت‌ها سرسام‌آور شد» (مجد، ۱۳۸۷: ۱۰۵). بررسی گزارش اداره مالیه کرمانشاهان به تهران در خصوص غارت «انبارهای مالیه کرمانشاهان

و ولایات جزء آنجا» از سوی نظامیان روس و عثمانی نظر کالدول را تأیید می‌نماید (ساکما، ش بازیابی: ۴۷۴۵۰-۲۴۰).

انگلیسی‌ها نیز در روزگار حضور خود در کرمانشاهان، غله و مواد غذایی آنجا را خریداری و احتکار می‌کردند. ژنرال دنسترویل (Dunsterville) با اشاره به احتکار غله توسط محتکران و انبارداران با هدف گران‌فروشی، به خرید و احتکار مواد غذایی به‌رغم تمایل قلبی خود اعتراف می‌کند و عدم بازرسی حکومت محلی از انبارها و نظارت بر مصرف گندم را از عوامل تداوم قحطی در منطقه می‌داند (دنسترویل، بی‌تا: ۳۰). فرانسیس وایت (Francis White) اقدام انگلیسی‌ها به خریداری غله در غرب ایران را دلیل اصلی کمبود غله و قحطی در این منطقه دانسته است و اذعان می‌کند که رنج مردم در بسیاری از نقاط، در اثر احتکار غله از سوی تجار ثروتمندی که می‌خواهند آن را با سود کلان به نظامیان انگلیسی بفروشند، شدت یافته است (مجد، ۱۳۸۷: ۱۲۴-۱۳۱).

### ۵. پیامدهای اقتصادی قحطی در کرمانشاهان

اقتصاد کرمانشاهان همواره تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی آن قرار داشته است که پیش‌تر به اهمیت راهبردی آن اشاره شد. عبور مداوم قافله‌های تجاری از مسیر کرمانشاه به بغداد که گاهی اوقات تعداد حیوانات بارکش آن‌ها به حدود بیست هزار عدد می‌رسید و نیز عبور کاروان‌های زیارتی که از مسیر کرمانشاه زائران ایران، قفقاز، افغانستان و آسیای مرکزی را به عتبات عالیات می‌رساندند، در اشتغال و کسب درآمد مردم این منطقه نقشی چشمگیر داشت (اوین، ۱۳۶۳: ۳۴۰).

شواهد نشان می‌دهد که بخش مهمی از تجارت میان ایران و عثمانی از طریق جاده اصلی کرمانشاه - بغداد و گمرک قصرشیرین انجام می‌یافت. وقوع جنگ جهانی اول و اشغال کرمانشاهان توسط دول متحد و متفق و تسلط متناوب آن‌ها بر این منطقه، امنیت اقتصادی این دیار را با چالش جدی و فراوان روبه‌رو ساخت. کاهش روابط تجاری و نقل و انتقال کالا و نیز کاهش و قطع عبور و مرور کاروان‌های زیارتی از نتایج مهم جنگ مذکور و اشغال این منطقه بود که سبب شد تجار، بازرگانان، اصناف و پیشه‌وران بسیاری حرفه خود را از دست بدهند (رعنائی، ۱۳۹۶: ۲۲). این موضوع باعث شد که خسارت وارد شده به قصرشیرین به دلیل وجود گمرک در این منطقه و به‌خصوص

همجواری با عثمانی مشهود باشد. پس از ورود نظامیان عثمانی، اداره تلگراف قصر- شیرین نیز منحل و خسارت‌های مالی به‌تجار بیشتر شد. وکیل‌التجار قصرشیرین با ارسال تلگرافی به مجلس شورای ملی، از مقامات مربوطه خواست که این مشکل را حل نمایند. نظامیان عثمانی و اشرار ایرانی، دفترهای گمرکی قصرشیرین را تصرف و چپاول کردند (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۳۰۸۷، برگ ۲۴).

اقدام روس‌ها در غارت اداره گمرک کرمانشاه (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۳۰۸۷، برگ ۱۶) و نیز چپاول اداره گمرک قصرشیرین و منازل «متمولین شهر توسط هفت هزار سالدات روسی»<sup>۱</sup> (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۳۰۸۷، برگ ۲۰) تأثیر بسزایی بر اقتصاد منطقه بر جای نهاد و بر هرج و مرج و ناامنی در منطقه افزود.

رواج هم‌زمان و متناوب پول‌های رسمی کشورهای روسیه، عثمانی و آلمان در مناطق غربی ایران از دیگر عوامل رکود اقتصادی در این منطقه بود. عثمانی‌ها در برابر گرفتن آذوقه از مردم، اسکناس بی‌ارزشی پرداخت کردند. رواج پول منات روسیه در مناطق غربی به علت چند برابر بودن ارزش آن نسبت به پول ایران، زیان‌های فراوانی به مردم منطقه وارد نمود. طبق گزارش کفیل حکومت کرمانشاهان، قیمت منات روسی به صدی هفت تومان رسید که این امر نارضایتی و اعتراض اصناف و کسبه بازار را به دنبال داشت (ایران، شماره ۱۱۵، سال اول، ۳ ذیقعه ۱۳۳۵ ق، ص ۲). خزانه‌داری آلمان نیز برای سهولت در پرداخت هزینه‌های نظامی خود، اقدام به نشر نوعی اسکناس در غرب ایران کرد. این اسکناس که با اضافه کردن ارقام و حروف فارسی در پشت و روی مارک آلمانی چاپ شده بود، با ارزشی معادل ۱۲/۵ قران وارد بازار شد که برای مردم منطقه زیان‌آور بود (شرقی، ۱۳۸۹: ۴۸).

اقتصاد و شیوه معیشت مردم مناطق روستایی و بخش بزرگی از شهر کرمانشاه و نیز ایلات و عشایر منطقه به کشاورزی و دامپروری وابسته بود. این ایالت به سبب حاصلخیزی خاک، آبرفتی بودن مزارع، تنوع آب و هوایی و بارش فراوان همواره، یکی از قطب‌های اقتصاد کشاورزی ایران بوده است. این شیوه معیشت و اقتصاد در پی جنگ جهانی اول و اشغال آن از سوی نیروهای روس، انگلیس و عثمانی و خشک‌سالی با نابسامانی و ویرانی روبه‌رو گردید (سلطانی، ۱۳۷۰: ۱۲۳/۱).

<sup>۱</sup> سالدات (Saldat) عنوانی است که برای سرباز روسی به کار رفته است. (مدرسی، سامعی و صفوی مبرهن، ۱۳۸۰: ۳۰۴/۳۰۴ ذیل مدخل سالدات).

سرگرد داناهاو که از نزدیک شاهد شرایط منطقه بوده است، روس‌ها و عثمانی‌ها را عامل اصلی قحطی و فلاکت مردم می‌داند. وی معتقد است که نظامیان لجام‌گسیخته روس و عثمانی زمین‌های کشاورزی کرمانشاهان را ویران کردند و «بدون پرداخت پول، اموال مردم را مصرف کردند و بی‌شرمانه آنچه را که نمی‌توانستند با خود ببرند، تخریب کردند. آن‌ها حتی به بذر کشاورزان هم رحم نکردند؛ بنابراین اکثر کشاورزانی که نه بذری برای کاشت داشتند و نه حیوانی برای شخم زدن، زمین‌های زراعی خود را رها کردند» (مجد، ۱۳۸۷: ۱۱۱). سن سون (Sun Son)، فرمانده ژاندارمری دولتی ایران، در گزارش خویش اشاره کرد که نظامیان روس و عثمانی بدون هیچ دلیلی مزارع سرپل‌ذهاب را به آتش می‌کشیدند (ساکما، ش بازیابی: ۲۹۳/۳۳۹۵، برگ ۲).

مدارک گویای آن است که عملکرد غیرانسانی و تخریب و غارت اموال عمومی و خصوصی مردم کرمانشاهان تنها توسط قوای روس و عثمانی صورت نگرفت، بلکه قوای انگلیس نیز چنین اقداماتی انجام دادند. نظامیان انگلیسی در مناطقی که ایلات سنجابی و گوران حضور داشتند با تخریب منابع طبیعی و جنگل‌های منطقه، ضربه فراوانی به اقتصاد مبتنی بر دامپروری این ایلات زدند (استادوخ، ۱۳۳۶/۴۴/۶۶ق، برگ ۱۱).

تضعیف شدید اقتصاد مبتنی بر شیوه معیشت کشاورزی و دامپروری و نیز کاهش فراوان تجارت در کرمانشاهان منجر به رشد فقر، نابودی زیرساخت‌ها، از بین رفتن نیروی کار و افزایش فراوان مصیبت بازماندگان گردید. در پی این شرایط، تعداد زیادی از مردم قحطی‌زده و گرسنه، چاره‌ای جز بیگاری برای انگلیسی‌ها نداشتند. نیروهای فرصت‌طلب انگلیس با مشاهده شرایط ناگوار مردم مستأصل منطقه، برای پیشبرد اهداف خود، آنان را در پروژه‌های جاده‌سازی و سایر خدمات نظامی استخدام کردند. ژنرال دنسترویل که در حین مأموریت از مسیر قصرشیرین به کرمانشاه عبور کرده، در گردنه «پاتاق»<sup>۱</sup> تعداد زیادی از مردان و زنانی را که «تحت تعلیمات کمیته خیریه آمریکا مشغول تعمیر و مرمت راه بودند»، مشاهده کرده است (دنسترویل، بی‌تا: ۳۰).

<sup>۱</sup>. گردنه پاتاق در جنوب شرقی سرپل‌ذهاب و در مسیر ارتباطی قصرشیرین - کرمانشاه قرار دارد و در زمان جنگ جهانی اول برای طرفین جنگ، از مواضع مهم و استراتژیک به شمار رفته است - رزم‌آرا، ۱۳۳۱: ۵/ ذیل مدخل «پاتاق».

## ۶. پیامدهای اجتماعی قحطی در کرمانشاهان

از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی قحطی در کرمانشاهان غیر از مرگ‌ومیر و کاهش فراوان جمعیت و نیروی فعال کار، می‌توان به آشفتگی اوضاع در شهرها و روستاها، شیوع بیماری‌های واگیردار، ناامنی و مشکلات روحی و روانی پس‌از آن اشاره کرد. هرچند بخش قابل‌توجهی از این ناامنی و کشتار معلول جنگ جهانی اول و حضور نیروهای نظامی دول متحدین و متفقین در منطقه بود، اما رقابت و درگیری میان ایلات منطقه، غارتگری اشرار و ناکارآمدی حکام محلی در سامان‌دهی و انتظام امور را نیز می‌توان در مسئله دخیل دانست.

اداره نظمیۀ کرمانشاه در کنترل اوضاع نابسامان منطقه و تأمین امنیت مردم ناتوان بود؛ لذا حکومت محلی مجبور شد تا از سالدات‌های روسی که خود یکی از عوامل ناامنی بودند کمک بگیرد. اداره مالیه کرمانشاه روزانه حقوق چهل‌وپنج سالدات، یک نفر صاحب‌منصب نظامی و دو مترجم را «برای حفظ اهالی از تعدیات قشونی» پرداخت می‌کرد (ساکما، ش بازیابی: ۱۳۳۵/۸۹/۳۷، برگ ۱۳).

فقدان نیروی نظمیۀ کافی و کمبود تعداد نیروهای قزاق و ژاندارم برای تأمین نظم شهرها و روستاها در آن شرایط بحرانی باعث ناامنی اجتماعی شد و بستر مناسبی برای اغتشاش و غارت اموال عمومی فراهم کرد. حضور نظامیان روس در کرمانشاهان باعث سلب آسایش و ایجاد اضطراب در مردم شد. ورود گستاخانه دو نفر سالدات به حمام‌زنانه در کرمانشاه واکنش اعتراض‌آمیز کسبه بازار را به دنبال داشت. بازاریان «دکاکین را بسته، قریب دو هزار نفر بدارالحکومه آمده [و] یک قسمت هم به قنسولخانه انگلیس» (استادوخ، ۱۳۳۵/۸۹/۳۷، برگ ۶۲) رفتند. با افزایش تجمع اعتراضی مردم، فرمانده روسی، نظامیان را در میدان توپخانه جمع کرد و آن‌ها را به «حسن سلوک با اهالی» توصیه نمود (استادوخ، ۱۳۳۵/۸۹/۳۷، برگ ۶۲). حضور نظامیان روس در کرمانشاه مایه رنج و اضطراب مردم بود. با خروج روس‌ها، این شهر

---

آرامش بیشتری به خود دید و نرخ ارزاق متعادل‌تر شد و میزان ناامنی نیز کاهش یافت (ایران، شماره ۱۶۳، سال دوم، ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ق، ص ۲).

نمایندگان سیاسی دول متفقین و متحدین نیز در مواقعی در ناامن کردن منطقه و ایجاد اختلاف در بین ایلات و مقامات محلی نقش داشتند؛ برای نمونه در شهر کرمانشاه بسیاری از مردم بر اثر تحریک آلمانی‌ها علیه حکومت امیر مفخم حاکم کرمانشاه، شوریدند و نزدیک بود این اغتشاش منجر به خونریزی و تعطیلی بازار شود (ساکما، ش بازیابی: ۲۹۳/۱۱۷۳، برگ ۴). نادولنی (Nadonly)، نماینده سیاسی دولت آلمان در کرمانشاه، که با دولت موقت ملی میانه خوبی نداشت، تلاش کرد با ایجاد اختلاف بین نمایندگان احزاب اعتدال و دموکرات و تحریک ایلات کرمانشاهان علیه دولت موقت، مناقشات را تشدید کند (شیبانی، ۱۳۹۶: ۴۲۸). دولت عثمانی با تحریک و تجهیز عشایر سرحدی و با اعزام قوای نظامی خود به کرمانشاهان، باعث نقض بی-طرفی ایران از سوی دولت‌های روس و انگلیس شد. روس‌ها به بهانه مقابله با عثمانی-ها، قوای خود را به سمت کرمانشاهان گسیل نمودند و بخش راهبردی این منطقه را به اشغال خویش درآوردند (استادوخ، ۱۳۳۵/۲۵/۶۶، برگ ۴۵). نظامیان و مأموران سیاسی روس مدام در امور حاکم کرمانشاهان و ایلات و عشایر منطقه مداخله کردند تا حدی که عزل و نصب رؤسای ایلات را از حکومت محلی تقاضا کردند که این موضوع، اعتراض وزارت امور خارجه ایران را در پی داشت (استادوخ، ۱۳۳۵/۷۷/۳۷، برگ ۵۶). انگلیسی‌ها نیز سعی کردند تا از روس‌ها عقب‌نمانند و با جدیت به تحریک برخی از ایلات پرداختند و درصدد تهیه و تدارک قشون محلی و تجهیز آن‌ها با نشان مخصوص خود برآمدند (ایران، شماره ۲۳۴، سال دوم، ۱۵ شعبان ۱۳۳۶ق، ص ۲).

رواج ناامنی در خلال دوره مورد مطالعه در کرمانشاهان که مسیر عبور کاروان‌های تجارتي و زیارتي فراواني بود، شرایط پیچیده‌ای ایجاد کرد. هرچند تأمین امنیت راه مذکور برای حکومت مرکزی و حکام محلی اولویت خاصی داشت و اجرای آن اغلب بر عهده قراسوران‌ها از افراد برگزیده ایلات منطقه بود؛ اما در این روزگار پرآشوب، گروه مذکور بیشتر تابع فرمان رؤسای خود بودند تا کارگزاران حکومتی. آنان در این ایام نه تنها امنیت را برقرار نکردند، بلکه در بسیاری از اوقات عامل ناامنی راه‌ها بودند و به تحریک سران ایلات، کاروان‌ها و مکاری‌ها را می‌آزردند (بیستون، شماره ۶۵، ۶ شعبان سال ۱۳۳۸ق، ص ۲؛ مطلبی، ۱۳۹۶: ۸۹-۹۰). ناکارآمدی قراسوران‌ها در تأمین امنیت در

شرایط بسیار بحرانی روزگار قحطی، بیماری و جنگ و ضرورت اصلاح آن در گزارش رئیس مالیه کرمانشاهان به وزارت مالیه به‌وضوح دیده می‌شود. او بیان می‌کند که «بودجه مخارج دولتی این ولایت برای حفظ انتظام آن شهر و طرق و شوارع و قوه اجرائیه حکومتی» بسیار ناچیز است. در نتیجه «نه در شهر و نه در طرق و شوارع انتظامی دیده نمی‌شود» (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۲۵۴۳، برگ ۲۵ و ۴۰).

نامنی و راهزنی در منطقه کرمانشاهان از دید سیاحان و سفرنامه‌نویسان نیز پنهان نمانده است. بلوشر (Bluesher) با اشاره به کمبود مواد غذایی برای مصرف نظامیان و سواران عشایری، دزدی اسب و تفنگ را از کارهای عادی و روزانه اشرا و راهزنان عشایری می‌داند. به اعتقاد او نامنی چنان زیاد است که نظامیان برای حراست از اموال خود باید تا صبح نگهبانی دهند (بلوشر، ۱۳۶۳: ۵۹). نامنی راه‌های کرمانشاهان باعث نگرانی و گله‌مندی دولت عثمانی نیز گردید. مکاتبات میان سفارت عثمانی در تهران و وزارت خارجه ایران نشان می‌دهد که آنان مکرر از ایران خواسته‌اند که نسبت به تأمین امنیت راه کرمانشاه - قصرشیرین و خانقین اقدام کند (نصیری، ۱۳۷۲: ۲۵۱).

مردم قحطی‌زده کرمانشاه که در جنگ جهانی اول زمین‌های زراعی و احشام خود را از دست داده بودند، قادر به تأمین مواد غذایی برای رفع گرسنگی خود نبودند و با شیوع بیماری‌های واگیر از پا درآمدند. انگلیسی‌ها در این ایام گام‌هایی کوچک برای بهبود اوضاع برداشتند و با کمک میسوینرهای آمریکایی، تعدادی از مردم قحطی‌زده در پروژه‌های راه‌سازی استخدام نمودند و به تعداد دیگری از مردم نیز غذا داده شد؛ اما وسعت فاجعه به حدی زیاد بود که اقدامات میسوینرها و خیرین به چشم نیامد. مستر اسنید (Asnid)، از میسوینرهای آمریکایی مأمور به خدمت در کرمانشاهان، ناظر پروژه‌های راه‌سازی در این منطقه و ساخت سرپناه برای کارگران و افراد بی‌سرپناه بود. همسر وی سرپرستی بسیاری از کودکانی را که توسط انگلیسی‌ها در کنار جاده‌ها جمع‌آوری شده بودند، بر عهده گرفت و توانست سلامتی را به تعداد زیادی از آنها بازگرداند (مجد، ۱۳۸۷: ۲۰۱).

قحطی و شیوع بیماری اگرچه نقش چشمگیری در کاهش جمعیت داشت، اما تلفات جنگ جهانی نیز نقشی مهم در این حوزه ایفا نمود. آمار و ارقام دقیقی در باب میزان و پراکندگی تعداد قربانیان ناشی از جنگ جهانی اول در کرمانشاهان یافت نشد. به دنبال هجوم قشون عثمانی به قصرشیرین، مردم برای جلوگیری از تعرض نظامیان به

کوه‌ها پناه بردند و تعدادی از آن‌ها نیز کشته شدند. در نخستین هجوم عثمانی‌ها به کرد حدود صد و ده نفر و در سومین حمله آن‌ها دوازده نفر کشته شدند (ساکما، ش بازیابی: ۲۴۰/۳۰۸۷، برگ ۲۸). اقدامات غیرانسانی عثمانی‌ها در کرد چنان بود که در جلسات مجلس شورای ملی و روزنامه‌ها انعکاس یافت. نمایندگان حزب دموکرات مجلس، فرمانفرما وزیر داخله را مسئول تصادم بین قوای عثمانی و عشایر کرمانشاهان دانستند و او را استیضاح کردند. سرانجام، اقدام دموکرات‌ها باعث سقوط کابینه عین‌الدوله گردید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، جلسه ۵۲). در اثر حمله هوایی و توپخانه نظامیان انگلیس به ایل سنجابی، تعداد زیادی از مردم عشایر کشته شدند و مابقی از زن و مرد به همراه کودکان در کوه‌ها متواری شدند و یا تعداد زیادی از آن‌ها به حدود کردستان، گروس و دیگر نواحی مهاجرت کردند (ایران، شماره ۲۳۴، سال دوم، ۱۵ شعبان ۱۳۳۶ق، ص ۳).

## ۷. نتیجه‌گیری

پدیده قحطی به‌عنوان یکی از پیامدهای خشک‌سالی، همواره مردم ایران را در طول تاریخ با چالش‌های فراوان روبه‌رو کرده است. قحطی بزرگ کرمانشاهان در خلال جنگ جهانی اول ناشی از دلایل و عوامل مختلفی بود که در نهایت می‌توان آن را به چند دسته تقسیم نمود:

۱. کمبود شدید بارش و خشک‌سالی در خلال دوره مورد مطالعه، به‌عنوان عامل طبیعی، نقش تعیین‌کننده و مهمی در ایجاد قحطی داشت.
۲. جنگ جهانی اول و حضور پررنگ و طولانی مدت قوای روسیه، عثمانی و انگلیس در منطقه باعث شد که اندک اندوخته‌های غذایی کشاورزان و مردم منطقه توسط اشغالگران مذکور به زور ستانده شود. آنان غیر از تصاحب بخشی از احشام اهالی منطقه، انبارهای غله مردم و حکومت محلی را به زور تصاحب نمودند.
۳. احتکار فراوان غله توسط مباشران قشون خارجی و اشخاص طماع محلی نقشی برجسته در گرانی و کمبود مواد غذایی در منطقه مورد پژوهش داشت.
۴. ساختار ضعیف و ناکارآمد حکومت مرکزی، به‌خصوص در خلال سال‌های جنگ جهانی اول به عللی چون آشفتگی‌های سیاسی، مداخله نیروهای

## اعل و پیامدهای قحطی کرمانشاهان در جنگ جهانی اول | ۹۹

خارجی و... باعث شد که حاکمیت از مهار بحران‌های گوناگون و از جمله بحران عظیم قحطی و پیامدهای بسیار ناگوار آن ناتوان باشد.

۵. ناکارآمدی حکام محلی در کنترل اوضاع بحرانی منطقه در طی دوره مورد مطالعه نیز نقش تعیین کننده‌ای در عدم مدیریت قحطی و پیامدهای مخرب فراوان آن بر جای نهاد. در این ایام، حکام محلی توان سرپیچی از دستورات اشغالگران را در خود نمی‌دیدند و این مسئله باعث شد که نظامیان دولتی نیز تا حدودی وظایف خود را رها کرده، راهزنان و غارت‌گران در منطقه جولان دهند و روزگار مردم را بیشتر به تباهی و اضطراب بکشانند.

این پژوهش روشن کرد که قحطی کرمانشاه پیامدهای متعددی در حوزه‌های گوناگون در پی داشت که اهم آن به شرح ذیل بود:

۱. کاهش روابط تجاری و حمل و نقل کالا و نیز قطع تردد کاروان‌های زیارتی که سبب تضعیف بسیاری از مشاغل چون تجار، بازرگانان، اصناف، پیشه‌وران و... شد و که این مهم بر اقتصاد و معیشت مردم منطقه تأثیر منفی بر جای نهاد.
۲. ویرانی بخشی از اراضی کشاورزی و تخریب قسمتی از قنات‌ها و کاریزهای منطقه در پی بی‌توجهی به لایروبی و... آن‌ها؛
۳. کاهش شدید نیروی مولد در منطقه به علت عواملی چون جنگ، قحطی و شیوع بیماری‌های واگیر؛
۴. افزایش قابل توجه دزدی و ناامنی، مهاجرت و مشکلات روحی و روانی مردم منطقه از پیامدهای بسیار ناگوار قحطی در طی جنگ جهانی اول به شمار می‌آید.

### فهرست منابع و مأخذ:

#### الف. اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره بازیابی سند: ۱۱۷۳ / ۲۴۰.
- ساکما، ش بازیابی سند: ۲۹۳/۳۳۹۵.
- ساکما، ش بازیابی سند: ۲۴۰/۲۹۳.
- ساکما، ش بازیابی سند: ۲۴۰/۳۹۹.
- ساکما، ش بازیابی سند: ۲۴۰/۲۵۴۳.

- ساکما، ش بازیابی سند: ۲۴۰/۳۰۸۷.
- ساکما، ش بازیابی سند: ۲۴۰/۳۹۲۱.
- ساکما، ش بازیابی سند: ۲۴۰/۴۳۸۱.
- ساکما، ش بازیابی سند: ۲۴۰/۴۴۳۹۵.
- ساکما، ش بازیابی سند: ۲۴۰/۴۸۵۱.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۳۴/۱۱/۳۷ق.
- استادوخ، ۱۳۳۵/۱۹/۳۷ق.
- استادوخ، ۱۳۳۵/۸۹/۳۷ق.
- استادوخ، ۱۳۳۵/۷۷/۳۷ق.
- استادوخ، ۱۳۳۵/۲۵/۶۶ق.
- استادوخ، ۱۳۳۵/۳۵/۶۶ق.
- استادوخ، ۱۳۳۵/۷۶/۳۷ق.
- استادوخ، ۱۳۳۵/۸۹/۳۷ق.
- استادوخ، ۱۳۳۶/۴۴/۶۶ق.
- استادوخ، ۱۳۳۶/۱۱/۶۵ق.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، سال ۱۳۳۳ق، جلسه ۵۲.

#### ب. کتاب‌ها و مقالات

- احرار، احمد (۱۳۵۲)، توفان در ایران، ج ۲، تهران: انتشارات نوین.
- اوین، اوژن (۱۳۶۳)، ایران امروز، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: نقش جهان.
- بلوشر، ویپرت (۱۳۶۳)، سفرنامه ایران، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
- جباری، ایرج (۱۳۹۱)، «طراحی سامانه پایشی برای ارزیابی کیفیت آب زمکان رود کرمانشاه»، جغرافیا و پایداری محیط، ش ۵.
- دنسترویل (بی‌تا)، خاطرات ژنرال دنسترویل، ترجمه حسین انصاری، تهران: چاپ ارژنگ.
- راشد‌محصل، محمدتقی (۱۳۸۰)، کتیبه‌های ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رزم‌آرا، حسین‌علی (۱۳۳۱)، فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۵، تهران: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
- رعناپی، شهین (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیرات جنگ جهانی اول بر ساختارهای اجتماعی مناطق غربی ایران»، پژوهش‌های تاریخی، ش ۳۵.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۸۰)، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.

## | علل و پیامدهای قحطی کرمانشاهان در جنگ جهانی اول | ۱۰۱

- سایکس، سرپرسی (۱۳۸۰)، تاریخ ایران، ترجمه فخرداعی گیلانی، تهران: نشر افسون.
- سعیدی نژاد، حمیدرضا (۱۳۸۹)، کرمانشاه در جنگ بین‌الملل اول، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۰)، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج ۱، ناشر مؤلف: چاپ شقایق.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۹۸)، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، چاپ چهارم، ج ۱۵، تهران: نشر سها
- سنجابی، کریم (۱۳۹۳)، ایل سنجابی و مجاهدت ملی ایران: خاطرات علی‌اکبر خان سردار مقتدر سنجابی، تهران: نشر شیرازه.
- شرقی، علی (۱۳۸۹)، «نشر اسکناس‌های آلمانی در ایران»، بانک و اقتصاد، ش ۱۰۶.
- شیبانی، عبدالحسین (۱۳۹۶)، خاطرات مهاجرت، به کوشش ایرج افشار و کاوه بیات، تهران: نشر شیرازه.
- علی صوفی، علیرضا؛ شهرام غفوری (۱۳۹۶)، «علل و پیامدهای قحطی ناشی از جنگ جهانی اول در همدان»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۷ ش ۲.
- قائم‌مقامی، رضاقلی (۱۳۹۸)، وقایع غرب ایران در جنگ اول جهانی، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: نشر شیرازه.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۱)، «سال دمپختک»، گنجینه اسناد، ش ۴۶-۴۵.
- مجید، محمدقلی (۱۳۸۷)، قحطی بزرگ، ترجمه محمد کریمی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مدرسی، یحیی، سامعی، حسین و زهرا صفوی‌میرهن (۱۳۸۰)، فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار: قشون و نظمیه، چاپ اول، تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، تهران: زوار.
- مطلبی، مطلب (۱۳۹۶)، «قراسوران‌های کرمانشاهان و امنیت راه‌های نواحی سرحدی از مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول»، فصلنامه مطالعات تاریخ نظامی، س ۴، ش ۱۲.
- ملک‌زاده، الهام (۱۳۹۴)، «روایت اسنادی نقش روسیه و شوروی در بحران قحطی جنگ جهانی اول در ایران»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، س ۲۵، دوره جدید، ش ۲۵.
- میهن‌پورسیاح، محمدعلی (۱۳۹۵)، فداکاری برای وطن: خاطراتی از سفر مهاجرت و نقش ژاندارمری در جنگ جهانی اول، به کوشش مجتبی پریدار، تهران: نشر شیرازه.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۷۲)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران قاجاریه، تهران: انتشارات کیهان.

۱۰۲ | فصلنامه علمی مطالعات تاریخی جنگ، شماره ۱۶ |

ج. روزنامه‌ها

- ایران، شماره ۱۱۵، سال ۱۳۳۵ق.
- ایران، شماره ۸۴، سال ۱۳۳۵ق.
- ایران، شماره ۱۶۳، سال ۱۳۳۶ق.
- ایران، شماره ۲۳۴، سال ۱۳۳۶ق.
- بیستون، شماره ۶۱، سال ۱۳۳۸ق،
- بیستون، شماره ۶۵، سال ۱۳۳۸ق.

د. مصاحبه

دینوری، سیاوش (۱۴۰۰/۰۵/۰۴)، مصاحبه شونده، نظام‌علی دهنوی مصاحبه‌گر.

## **Causes and Consequences of Famine in Kermanshah During World War I**

*Fariborz Mansouri*, \* *Alireza Alisoufi*, \*\* *Nezamali Dehnavi*, \*\*\*  
*Sorayya Shahsavari* \*\*\*\*

### **Abstract**

The famine during World War I in 1336-1338 HC/1296-1298 SH had very destructive consequences for social and economic domains of Kermanshah. This research is based on the hypothesis that World War I in Kermanshah and the occupation of Kermanshah by Ottoman, Russia and England armies left damaging effects such as cereal shortage and the outbreak of famine. This shortage together with drought, hoarding and epidemic diseases took the lives of many residents of Kermanshah. Using unpublished archived documents and authentic library references, this descriptive-analytical study tried to identify the factors effective in the outbreak of famine as well as its social and economic consequences. The results show that besides drought, the long presence of axis and allied forces in Kermanshah, plundering of public and state granaries, looting of livestock and destroying houses, hoarding of grain by domestic and foreign agents, the structural weakness of the central government and the inefficiency of local officials to manage the crisis, played the main role in the outbreak and continuation of famine in this region.

---

\* Corresponding Author: PhD Student of Post-Islam Iranian History, Payame Noor University; Email: Fmansouri1970@yahoo.com

\*\* Associate Professor, Department of History, Payame Noor University; Email: Ar\_soufi@yahoo.com

\*\*\* Assistant Professor, Department of History, Payame Noor University; Email: Nezamdehnavi@yahoo.com

\*\*\*\* Assistant Professor, Department of History, Payame Noor University; Email: Sry\_shahsavari@yahoo.com

|Received: January 23, 2021; Accepted: June, 13, 2021|  
DOI:10.29252/HSOW.5.2.81|

**Keywords:** Kermanshah, famine, drought, hoarding, World War I.